

## پیشگفتار

بشر، رسانه‌ها، بهداشت، آموزش، ورزش و دموکراسی محلی را مورد بررسی قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> ارگان‌های شورا عبارات از کمیته وزیران، مجمع پارلمانی، کنگره مقامات محلی منطقه و دیوان اروپایی حقوق بشر است.

یکی از هدفهای مهم شورا، که در اساسنامه آن نیز آمده، دفاع از حقوق بشر است. از همین رو این سازمان، کنوانسیون‌هایی چند در زمینه حقوق بشر تصویب کرده است، که البته مهم‌ترین آن‌ها «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» است. (La Convention européenne des droits l'homme/ The European Convention on Protection of Human Rights)

این کنوانسیون در سال ۱۹۵۰ به تصویب رسیده و تا امروز ۱۴ پروتکل به آن افزوده شده است. آنچه متن کنوانسیون یادشده را از متن‌های مشابه در دیگر سطوح منطقه‌ای جهان متمایز می‌سازد، مکانیسم‌های حمایتی پیش‌بینی شده برای پاسداری از حقوق مندرج در این کنوانسیون است. وجود چنین مکانیسمی، موجب اثربخشی حقوق افراد شده و ارزش و اعتبار نظام پشتیبانی از حقوق بشر در کشورهای عضو شورا را اروپا بالا برده است.

ماده ۱۰ کنوانسیون یادشده، که به آزادی بیان و از جمله آزادی مطبوعات اختصاص یافته است، یکی از ماده‌هایی است که در پرتو این مکانیسم حمایتی، در پاسداری از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی فرد، بیشترین بهره‌مندی‌ها را پدید آورده است.

## الف- ویژگیهای نظام کنترل قضایی در سطح اروپا

آنچه موجب تمایز سیستم اروپایی پشتیبانی از حقوق بشر از دیگر سیستم‌های مشابه آن در سطح بین‌المللی و سطوح منطقه‌ای شده است، وجود یک نظام کنترل مؤثر قضایی در سطح اروپاست.<sup>۳</sup> کشورهای عضو شورای اروپا موظفند ترتیبات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را در حقوق داخلی خود وارد و مفاد آنها را رعایت کنند. اگر کسی ادعا کند که قربانی نقض حقوق پیش‌بینی شده در این

«دیوان اروپایی حقوق بشر»، بر پایه ماده ۱۰ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» مصوب ۱۹۵۰، در آرای خود برای پشتیبانی از آزادی بیان و بویژه آزادی مطبوعات، جایگاه برجسته و پراهمیتی قائل شده است و در این زمینه، با تفسیر موسع از آن ماده، یک رویه قضایی بسیار غنی پدید آورده است.<sup>۱</sup> از دیدگاه این دیوان، آزادی بیان یکی از شرایط اساسی پیشرفت جامعه دموکراتیک و رشد هر فرد به شمار می‌رود (Arrêt Handyside c/ Royaume - Uni/1976) و بویژه مطبوعات در میان ابزارهای بیان عقاید و اطلاعات، باید از آزادی آن، به درستی پشتیبانی شود. از همین رو، در دهه‌های اخیر، دیوان اروپایی حقوق بشر، بی‌وقفه بر نقش والای مطبوعات در دولت مبتنی بر حقوق تأکید کرده و برای پاسداری از آزادی آن، بسیار کوشیده است. آشنایی هر چه بیشتر پژوهشگران ایرانی در زمینه حقوق ارتباطات و بویژه حقوق مطبوعات با رویه قضایی دیوان یاد شده می‌تواند بسیار سودمند باشد.

در این بررسی، نخست به معرفی کوتاه دیوان اروپایی حقوق بشر می‌پردازیم؛ سپس کوشش‌ها و تأکیدهای این نهاد قضایی برای پاسداری از آزادی مطبوعات را تشریح می‌کنیم و در پایان آن با تکیه بر توجه ویژه دیوان به پشتیبانی از آزادی مطبوعات، به شیوه‌های تفسیر موسع دیوان از اصول و مبانی این آزادی و تفسیر مضیق آن در مورد محدودیت‌های این آزادی می‌پردازیم.

## بخش یکم: دیوان اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

شورای اروپا، که نخستین سازمان منطقه‌ای بین‌الدول کشورهای اروپایی است، چهار سال پس از سازمان ملل متحد، در ماه مه ۱۹۴۹ در لندن برپا شد. این سازمان، اکنون دربرگیرنده ۴۶ کشور و جای آن در شهر استراسبورگ (فرانسه) است. این شورا کمابیش همه مسائل جامعه اروپایی، غیر از امور مربوط به دفاع، بویژه مسائل حقوق

## دیوان اروپایی حقوق بشر و پشتیبانی از آزادی مطبوعات\*

دکتر رؤیا معتمدنژاد  
استادیار دانشکده حقوق و علوم  
سیاسی دانشگاه علامه  
طباطبایی

\*مقاله ارائه شده به سومین  
سمینار بررسی مسائل مطبوعات  
ایران- مرکز مطالعات و تحقیقات  
رسانه‌ها- تهران- اسفند ۱۳۸۳

در پرتو شیوه کار این دیوان، کنوانسیون یاد شده: «سندی شمرده می شود که در پرتو شرایط کنونی زندگی باید تفسیر گردد.» (Arrêt Marckx c/Belgique, 13 juin 1979)

همچنین بر اثر عملکرد همین دیوان است که کنوانسیون مذکور: «سند بنیادی نظم اروپایی به منظور حمایت» از انسان شناخته شده است. (Arrêt Loizidou c/Turquie, 23 mars 1995)

در این زمینه، هدف اساسی دیوان، پشتیبانی نظری و ذهنی از حقوق بشر نیست، بلکه دفاع ملموس و مؤثر از این حقوق است. (Arrêt Airey, 09 octobre 1979)

و نیز بر اثر رویه این دیوان است که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در پرتو طرز فکر کنونی در دولت‌های دموکراتیک، تفسیر می شود.

بر سرهم می توان گفت که دیوان اروپایی حقوق بشر، بر پایه روش تفسیری تکاملی خود، حقوق بشر اروپایی، کیفیت محتوای کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی آن را تقویت کرده است.

ب- آزادی بیان در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ در مورد آزادی بیان چنین مقرر می دارد: ۱. هر کس دارای حق آزادی بیان است. این حق، دربرگیرنده آزادی عقیده و آزادی دریافت یا انتقال اطلاعات یا افکار، بی مداخله مقامات دولتی و بی توجه به سرزهاست. ماده حاضر مانع آن نمی شود که دولت‌ها، مؤسسات رادیویی، سینمایی یا تلویزیونی را به رعایت نظام دریافت اجازه فعالیت ملزم سازند.

۲. به کار بستن این آزادی‌ها همراه تکالیف و مسئولیت‌هایی است. این تکالیف و مسئولیت‌ها ممکن است تابع برخی تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا ضمانت‌های اجرایی - که در قانون پیش‌بینی شده است و در یک جامعه دموکراتیک، اقدامات بایسته برای امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی، دفاع از نظم و پیشگیری جنایت، پاسداری از سلامت یا اخلاق، پاسداری از آبرو و حیثیت یا حقوق دیگران و جلوگیری از افشای

کنوانسیون شده است، می تواند بر پایه همین کنوانسیون، از دولت ناقض حق یا حقوق خود و رأی دادگاه داخلی مربوط به آن، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کند.

بنابراین، امکان اقامه دعوی مستقیم افراد نزد این دیوان که در یازدهمین پروتکل الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق (که از ۱ نوامبر سال ۱۹۹۸ به اجرا در آمده) بشر پیش‌بینی شده است، به سبب پشتیبانی بی سابقه از حقوق افراد در سطح جهانی، دستاورد گرانبهایی شمرده می شود.

بر این اساس، برای نخستین بار در حقوق بین‌الملل، حقوق بنیادی فرد، قواعدی را می سازد که تجاوز به آن‌ها، می تواند متجاوز را به دادگاه بکشاند و رأی قاضی در این باره، اعتبار امر مختومه داشته باشد.<sup>۴</sup>

ب- ویژگی‌های دیوان اروپایی حقوق بشر  
دیوان اروپایی حقوق بشر، اکنون به گونه مستقیم در دسترس افراد و آماده دادرسی است و صلاحیت آن شامل همه کشورهای عضو شورای اروپا است.

شمار اعضای دیوان، برابر با شمار کشورهای امضاکننده اسناد بنیادی شورای اروپاست و به سخن دیگر، هر کشور امضاکننده کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، عضویت دیوان را نیز دارد. نامزدهای عضویت در دیوان، از سوی دولت‌های عضو شورای اروپا پیشنهاد می شوند، اما قضات انتخاب شده به گونه مستقل و نه بعنوان نماینده دولتهایی که ایشان را معرفی کرده‌اند، گردهم می آیند و به بررسی شکایت‌ها می پردازند. رأی دیوان برای دولت‌های ذی نفع الزام آور است و نظارت بر چگونگی اجرا و تشخیص رعایت نشدن یا نقض آنها، به عهده کمیته وزیران شورای اروپا گذاشته شده است.<sup>۵</sup>

مقررات حقوق بشر اروپایی، که امروزه زیانزد حقوق دانان است، از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های آن و همچنین از رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر مایه گرفته است. در حقیقت، دیوان اروپایی حقوق بشر ضمانت اجرای آن کنوانسیون را تأمین کرده است.

○ کشورهای عضو شورای اروپا موظفند ترتیبات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را در حقوق داخلی خود وارد و مفاد آنها را رعایت کنند. اگر کسی ادعا کند که قربانی نقض حقوق پیش‌بینی شده در این کنوانسیون شده است، می تواند بر پایه همین کنوانسیون، از دولت ناقض حق یا حقوق خود و رأی دادگاه داخلی مربوط به آن، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کند.

اطلاعات محرمانه یا تضمین اقتدار و بی طرفی قوه قضاییه را تشکیل می‌دهد. قرار گیرد.

چنان که می‌بینیم، بند ۱ از ماده ۱۰ عناصر آزادی بیان را بر شمرده است: آزادی عقیده، آزادی بخش اطلاعات و افکار و آزادی دریافت اطلاعات و افکار. برخلاف ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸ و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، که هر دو درباره آزادی بیان است، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به آزادی جست‌وجوی اطلاعات اشاره نمی‌کند. با این حال، به عقیده کارشناسان در زمینه حقوق ارتباطات، این سکوت به معنای آن نیست که این آزادی در کنوانسیون اروپایی شناخته نشده است، بلکه این آزادی در دل آزادی بیان نهفته است.<sup>۶</sup>

بند ۲ از ماده یاد شده در مورد محدودیت‌های آزادی بیان است. با بررسی ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌توان گفت که این ماده در سنجش با ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ویژگی‌های برجسته‌ای ندارد.

بنابراین، پرآوازه شدن ماده مذکور برخاسته از رویه قضایی دیوان اروپایی است زیرا این نهاد با استناد به نقش مهم آزادی بیان در دموکراسی، محتوای تازه‌ای برای ماده ۱۰ کنوانسیون قائل شده است.

دیوان اروپایی، از جمله معتقد است که «بیان» مورد حمایت در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تنها به واژه‌های نوشتاری یا گفتاری محدود نمی‌شود و به تابلوهای نقاشی (Arrêt Muller et autres c/ Suisse, 1988) تصویرها (Arrêt Chorherr c/ Autriche, 1993) و کوشش‌های معطوف به بیان یک اندیشه یا به دست دادن اطلاع یا خبر نیز تعمیم پیدا می‌کند. حتی در برخی شرایط و اوضاع و احوال، شیوه لباس پوشیدن نیز می‌تواند در حوزه اعمال این قاعده حقوقی درباره آزادی بیان قرار گیرد. - (Arrêt Stevens c/ Royaume Uni/ 1986)

دیوان اروپایی حقوق بشر، همچنین عقیده دارد که ماده ۱۰ کنوانسیون نه تنها از اطلاعات یا

اندیشه‌های جالب توجه یا بی‌زیان یا کم‌اثر پشتیبانی می‌کند، بلکه حمایت آن اطلاعات و اندیشه‌هایی را نیز که سبب برخورد با دولت، یا آسیب‌رسانی به آن یا نگرانی دولت یا بخشی از مردمان می‌شود در بر می‌گیرد. بدین سان، از دیدگاه دیوان، توجه به کثرت‌گرایی، تسامح و روحیه گشودگی، که بی‌آن‌ها «جامعه دموکراتیک» وجود ندارد، لازم است. (Arrêt Handyside, 1976; Oberschlick c/ Autriche 1986; Lingens c/ Autriche, 1986)

بر سر هم، ماده ۱۰ کنوانسیون، در عین حال هم محتوای ذاتی و ماهوی اطلاعات و اندیشه‌های عرضه شده و هم وسایل ارتباطی به کار گرفته شده برای انتشار آنها را مورد حمایت قرار می‌دهد.

## بخش دوم: اهمیت پاسداری از آزادی مطبوعات در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر

هر چند ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به گونه‌ای روشن به آزادی مطبوعات اشاره نکرده است، اما دیوان اروپایی حقوق بشر توانسته است در این زمینه یک رویه قضایی بسیار غنی پدید آورد؛<sup>۷</sup> رویه‌ای که به شکل دهی اصول و قواعدی برجسته در مورد آزادی مطبوعات انجامیده است.

روی هم رفته، با بررسی و تجزیه تحلیل رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان گفت که این نهاد برای پاسداری از آزادی مطبوعات، سه موضوع عمده را مورد توجه قرار داده است: نقش‌های مطبوعات در دولت مبتنی بر حقوق، عناصر آزادی مطبوعات و روش‌های پاسداری از آن.<sup>۸</sup>

الف- تأکید بر نقش بنیادین مطبوعات در دولت مبتنی بر حقوق

از سال ۱۹۷۹ که دیوان اروپایی نخستین رأی خود در خصوص مطبوعات را صادر کرد، (Arrêt Sunday Times (n.1) du 26 avril 1979)، بی‌وقفه (Arrêt Castells du 23 avril 1992 et Arrêt Prager et Oberschlick d'avril 1995)،

○ مقررات حقوق بشر اروپایی، که امروزه زیانزد حقوق دانان است، از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های آن و همچنین از رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر مایه گرفته است. در حقیقت، دیوان اروپایی حقوق بشر ضمانت اجرای آن کنوانسیون را تأمین کرده است.

در پرتو شیوه کار این دیوان، کنوانسیون یاد شده: «سندی شمرده می‌شود که در پرتو شرایط کنونی زندگی باید تفسیر گردد.»

«آزادی بیان از راه مطبوعات، برای انتقال و انتشار اطلاعات و اندیشه‌های مربوط به منافع عمومی، که مخاطبان می‌توانند خواستار آنها باشند، به کار گرفته می‌شود.» (Arrêt Informations Verein lentia et autres c/ autriche / 24 novembre 1993)

حق به دست آوردن اطلاعات (Le droit de recevoir des informations, یا همان حق برخورداری از اطلاعات (Le droit a l'information) برای همگان، بویژه ناظر به اطلاعاتی است که با مسائل مطرح در جامعه و بطور کلی مسائل مرتبط با منافع عمومی (Questions d'intérêt public) بستگی دارد.

این نهاد در یکی از نخستین آرای خود در زمینه مطبوعات، نکات زیر را یاد آور شده است:

«در يك جامعه دموکراتیک، باید به روزنامه‌ها امکان داده شود تا درباره يك قضیه ارجاع شده به دادگستری، چنانچه به موضوعی در حیطه منافع عمومی، برای نمونه بهداشت عمومی، بستگی داشته باشد به بحث و بررسی بپردازند» (Arrêt Sunday Times C/ Royaume - uni (n.1), du 29 avril 1979)

۲- نقش‌های کلیدی مطبوعات در دولت مبتنی بر حقوق

در کانون مفهوم «دولت مبتنی بر حقوق»، اندیشه‌های بنیادینی مانند محدودیت قدرت دولت، برخورداری افراد از حقوق بشری، دولت ضامن حقوق افراد، برخورداری افراد از حق مطالبه حقوق خود، امکان اقامه دعوا و... وجود دارد.<sup>۱۱</sup>

از آنجا که چنین دولت‌هایی باید پاسخگوی کارهای خود باشند، طبیعی است که بتوان از مطبوعات انتظار داشت به بهترین گونه نقش‌های اجتماعی خود را بازی کنند.

دیوان اروپایی حقوق بشر، در این زمینه، نقش‌هایی برای مطبوعات در این دولت‌ها در نظر گرفته است.

I - «نگهبانی»

«نگهبان بودن» نخستین نقش مطبوعات است.

بر نقش بنیادین مطبوعات در دولت مبتنی بر حقوق تأکید کرده است. (Le role éminent de la presse dans un Etat de droit")

دولت مبتنی بر حقوق، دولتی است که در آن حکومت قانون وجود دارد؛ از يك سو مبتنی بر احترام به قانون و از سوی دیگر محدود شده با قانون است، چرا که وظیفه دارد حقوق شهروندان را رعایت کند.<sup>۱۲</sup>

در چنین دولتی، آزادی بیان و اطلاعات از راه مطبوعات<sup>۱۳</sup>، یا حق روزنامه برای برخورداری از آزادی بیان<sup>۱۴</sup>، از آن رو اهمیت دارد که گذشته از تأمین حق روزنامه‌نگار، موجبات تحقق هر چه بیشتر حقوق شهروندان، و بویژه حق آگاه شدن را فراهم می‌آورد.

۱- پرداختن دیوان اروپایی به حق برخورداری مردمان از اطلاعات

همه نقش‌هایی که دیوان یاد شده برای مطبوعات در دولت مبتنی بر حقوق در نظر می‌گیرد، در راستای بر آورده شدن منافع مردمان است.

اهمیت «تأمین منافع عمومی» (Arrêt Bergens Tidende et autres du 2 mai 2000) یا اهمیت تأمین «منافع جامعه دموکراتیک» (Arrêt worm du 29 aout 1997) ایجاب می‌کند که از آزادی مطبوعات پاسداری شود.

دیوان اروپایی تأکید ویژه بر حقوق مردمان دارد و بارها در آرای خود اصطلاحاتی چون «حق همگان به آگاهی یافتن» (Le droit du public de se voir informer" arret Surek et ozdemir du 8Juillet 1999) «علاقه مشروع همگان به آگاهی یافتن» ("il etait de l'intérêt légitime du public de connaitre..." Arret Surek (n.2) du 8 Juillet 1999) «حق همگان

در دستیابی به اطلاعات» ("Le droit pour le public d'en recevoir"/ Arret lingens c/ Autriche 8 juillet 1986) و... به کار برده است.

این نهاد حتی در یکی از آرای خود، اصطلاح «خواستار شدن» (Pretendre) اطلاعات را به کار برده است:

○ دولت مبتنی بر حقوق، دولتی است که در آن حکومت قانون وجود دارد؛ از يك سو مبتنی بر احترام به قانون و از سوی دیگر محدود شده با قانون است، چرا که وظیفه دارد حقوق شهروندان را رعایت کند.

در چنین دولتی، آزادی بیان و اطلاعات از راه مطبوعات، یا حق روزنامه برای برخورداری از آزادی بیان، از آن رو اهمیت دارد که گذشته از تأمین حق روزنامه‌نگار، موجبات تحقق هر چه بیشتر حقوق شهروندان، و بویژه حق آگاه شدن را فراهم می‌آورد.

به سخن دیگر، مطبوعات و وظیفه «اطلاع‌رسانی و نظارت» بویژه در زمینه‌هایی همچون مسائل مربوط به منافع عمومی، گزینش مسئولان سیاسی، کارکرد نهادها و خدمات عمومی و... را دارند.<sup>۱۲</sup>

دیوان، برای نخستین بار در سال ۱۹۸۶ (Arrêt Lingens c/ Autriche / 1986) بودن «(Chien de garde)» مطبوعات را به کاربرد و پس از آن بارها اصطلاحات «نگهبان بودن» یا «وظیفه اطلاع‌رسانی و نظارت» مطبوعات را به کار گرفته است:

«گزارش‌های خبری از رویدادهای جاری، که بر پایه گفت‌ووشنودها فراهم می‌شود، یکی از شیوه‌های بسیار مهم آگاهی‌دهی به شمار می‌رود و مطبوعات بی آنها نمی‌توانند نقش «نگهبانی» خود را بازی کنند» - (Arrêt Bergens Tidende et autres du 2 mai 2000)

در قضایای دیگری در زمینه محدود شدن مطبوعات، دیوان چنین نظر داده است: «در صورت محدود شدن آزادی مطبوعات، آنها نمی‌توانند نقش ضروری نگهبانی را بازی کنند» - (Arrêt observé er et Guardian c/ Royaume - Uni 1995; Arrêt Goodwin c/ Royaume - Uni 1996) «اعمال محدودیت، مانع آن می‌شود که مطبوعات بتوانند وظیفه خود را که اطلاع‌رسانی و نظارت است، انجام دهند.» - (Arrêt Barthold c/ Allemagne, 25 mars 1985)

II - اهمیت مباحثه عمومی از راه مطبوعات  
مباحثه عمومی از راه مطبوعات، (Débat public entretenu par la Presse) بیشتر به دو گونه است:

مباحثه عمومی درباره مسائل سیاسی و مباحثه عمومی بر سر موضوع‌های مربوط به منافع عمومی.

هر دو گونه این مباحثات برای جامعه دموکراتیک لازم است.

مباحثه سیاسی آزاد، به خودی خود هسته اصلی مفهوم جامعه دموکراتیک به شمار می‌رود. (Arrêt lingens c/ Autriche, 1986; Arrêt Castells 23 avril 1992) از همین رو قضات

دیوان حقوق بشر اروپایی برای حمایت گسترده از مباحثه‌های سیاسی از راه مطبوعات، اهمیت بسیار قائلند.<sup>۱۳</sup>

بررسی موضوع‌های مربوط به مسائل جاری مورد توجه همگان نیز، به همان اندازه اهمیت دارد. برای نمونه، پیگرد قضایی قضیه انتشار مقاله‌ای انتقادآمیز درباره خشونت‌های پلیس ایسلند (Arrêt Thorgeirson c/ Islande, 1992)، یا مقاله‌ای انتقادی در آلمان در مورد خطرات اجاق‌های خانگی ماکروویو برای تندرستی انسان (Arrêt Hertel du 25 aout 1998) و همچنین مقاله‌ای درباره يك منازعه اجتماعی در یکی از کارخانه‌های معروف اتومبیل‌سازی فرانسه (Arrêt Fressoz et Roire du 21 Janvier 1999)، که موجب مطرح شدن مسائل مهم موجود در جامعه شده بود، از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر، ناموجه شناخته شده است.

ب- توجه ویژه به عناصر آزادی مطبوعات  
قضات دیوان اروپایی حقوق بشر بر چند عنصر اصلی که سازنده آزادی مطبوعات است تأکید ویژه دارند. این عناصر را در این جا مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- محدودیت‌های پیش از انتشار  
از میان کارهای محدود کننده پیش از چاپ، که ناقض آزادی مطبوعات است، می‌توان گذشته از صدور پروانه پیش از انتشار، به سانسور قبلی محتویات و مندرجات نشریات و همچنین صدور پروانه برای اشتغال افراد به روزنامه‌نگاری اشاره کرد.

قضات دیوان اروپایی، به گونه روشن در مورد نظام پیشگیری انتشار، یا نظام صدور مجوز قبلی در زمینه مطبوعات، اعلام نظر نکرده‌اند، شاید به این دلیل که چنین نظامی در کشورهای اروپایی وجود ندارد و در این کشورها روزنامه‌ها تابع نظام اعلام‌نامه‌ای‌اند.

یکی از کارشناسان در زمینه حقوق اروپایی در این باره چنین نوشته است:  
«اجازه قبلی انتشار، شیوه‌ای خاص نظام‌های

### ○ در کانون مفهوم

«دولت مبتنی بر حقوق»، اندیشه‌های بنیادینی مانند محدودیت قدرت دولت، برخورداری افراد از حقوق بشری، دولت ضامن حقوق افراد، برخورداری افراد از حق مطالبه حقوق خود، امکان اقامه دعوا و... وجود دارد.

از آنجا که چنین دولت‌هایی باید پاسخگویی کارهای خود باشند، طبیعی است که بتوان از مطبوعات انتظار داشت به بهترین گونه نقش‌های اجتماعی خود را بازی کنند.

دیکتاتوری است و هرگز در جوامع دموکراتیک پذیرفته نشده است. این شیوه در اصل با ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در تضاد و تعارض است»<sup>۱۵</sup>

قضات دیوان اروپایی حقوق بشر همه این کارها را سخت مورد کنترل قضایی قرار می دهند. حتی هنگامی که این کارها جنبه موقت دارد، باز ممکن است خطر کاهش اعتبار اخبار و اطلاعات را در بر داشته باشد.

در قضیه ای راجع به ممنوع ساختن انتشار مقالات در یک روزنامه، دیوان اروپایی حقوق بشر چنین نظر داده است:

«... ماده ۱۰ کنوانسیون در متن خود، هرگونه محدودیت پیش از انتشار را ممنوع نساخته است... در همان حال، این گونه محدودیت‌ها، چنان تهدیدها و خطرهای بزرگی در بر دارد که ایجاب می کند از سوی دیوان اروپایی، به گونه بسیار دقیق بررسی شود. بویژه در مورد مطبوعات چنین وضعی پدید می آید: اخبار و اطلاعات فرآورده ای از میان رفتنی (L'information est un bien périssable) شمرده می شود و محدود ساختن آنها حتی برای یک دوره کوتاه، خطر تهی شدن آنها از هرگونه ارزش خبری و جلوگیری از جلب شدن توجه عمومی را پدید می آورد.» (Arrêt Sunday Times (2) c/Royaume - Uni/ 1991/ Guardian et Observer c/ Royaume - Uni/ 1991)

## ۲- محدودیت های پس از انتشار

محدودیت های مطبوعات پس از انتشار نیز گونه هایی دارد: مجازات کیفری، توقیف نشریات، بازرسی دفتر روزنامه ها و...

از دید متخصصان حقوق ارتباطات، یکی از موارد نقض جدی آزادی مطبوعات، مجازات کیفری است.<sup>۱۶</sup>

دیوان اروپایی، آرای کیفری را حتی در مواردی که جریمه ها به نسبت اندک باشد، از آن رو که ممکن است نوعی سانسور غیر مستقیم و نامرئی (Censure implicite) تلقی شود، مورد تأیید قرار نمی دهد.<sup>۱۷</sup>

در قضیه کاستل، شاک، که یکی از اعضای

گروه های مخالف دولت در پارلمان اسپانیا است، در مقاله ای مقامات دولتی اسپانیا را متهم کرده بود که برای شناسایی و مجازات عاملان جنایت نسبت به مردمان منطقه «باسک» دست به تلاش های لازم زده اند و از همین رو در یکی از دادگاه های اسپانیا، به اتهام اهانت به مقامات دولتی محکوم شده بود.

قضات اروپایی در این مورد چنین نظر دادند: «وضع مسطقی که دولت دارد، به آن امکان می دهد در دست زدن به پیگرد کیفری محتاط باشد؛ بویژه چنانچه دولت ابزارهای دیگری برای پاسخگویی به حملات و انتقادات غیرموجه مخالفان خود یا رسانه ها داشته باشد، باید در این زمینه محتاط تر عمل کند» (Arrêt Castells c/ Espagne / 1992)

در قضایای دیگری مانند مورد یاد شده، دیوان اروپایی چنین اظهار نظر کرده است:

«بنابر این اگر مجازاتی که برای عامل جرم مورد نظر تعیین شده است، او را از ابراز بیان به معنای دقیق کلمه هم باز نداشته باشد، در عین حال نوعی سانسور ایجاد کرده است که وی را وادار می کند پس از این به طرح چنین انتقادهایی نپردازد. چنین محکومیتی، در شرایط خاص مباحثه سیاسی، این خطر را در بر دارد که روزنامه نگاران را از کمک به گفت و شنود عمومی درباره مسائل مورد توجه در زندگی جمعی باز دارد. همچنین این محکومیت به گونه ای است که برای مطبوعات در راه انجام یافتن وظایف خبری و نظارتی آنها، مانع پدید می آورد» (Arrêt Lingens c/ Autriche / 1986; Arrêt Barthold c/ Allemagne / 1995)

از دیگر موارد نقض آزادی مطبوعات، بازرسی دفتر روزنامه است. این گونه بازرسی، چه بر اجازه قانون مبتنی باشد و چه نباشد، در هر حال حمایت منافع خبری روزنامه نگاران را مورد تهدید قرار می دهد، رسانه های مربوط را با خطر روبه رو می سازد و ممکن است به مثابه یک سانسور واقعی، به گونه غیر مستقیم و نامرئی بر همه روزنامه نگاران کشور اثر بگذارد.<sup>۱۸</sup>

## ۳- آزادی روزنامه نگاران

بی گمان آزادی روزنامه نگار (La liberté Journalistique)، موجب تقویت آزادی مطبوعات

## ○ «نگهبان بودن»

نخستین نقش مطبوعات

است. به سخن دیگر،

مطبوعات وظیفه

«اطلاع رسانی و نظارت»

بویژه در زمینه هایی

همچون مسائل مربوط به

منافع عمومی، گزینش

مسئولان سیاسی، کارکرد

نهادها و خدمات عمومی

و... را دارند.

می‌شود. بر پایه رویه قضایی دیوان اروپایی می‌توان عناصر مهم و مؤثر در آزادی روزنامه‌نگار را چنین برشمرد:

حمایت از منابع خبری روزنامه‌نگار، حق انتقال و پخش اطلاعات درباره مسائل مطرح در جامعه، دخالت بسیار کم دولت در کار روزنامه‌نگار، امکان بیان آزاد عقاید و افکار از سوی روزنامه‌نگار، امکان تهیه گزارش‌های خبری از رویدادهای جاری بر پایه گفت‌وگو و شنودها، تا اندازه‌ای اغراق‌گویی و برانگیزی، انتشار شایعات و حتی نسبت دادن برخی کارها به دیگران (در حالی که امکان اثبات آن وجود ندارد)، معرف ابعاد گوناگون آزادی روزنامه‌نگار است. برخی از این موضوعات در بخش‌های قبلی مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین در اینجا به عناصری که پیشتر از آنها سخن نرفته است، پرداخته می‌شود.

#### I- پشتیبانی از منابع خبری روزنامه‌نگاران (La protection des sources Journalistiques)

قضات دیوان اروپایی معتقدند که: «پشتیبانی از منابع خبری روزنامه‌نگاران یکی از سنگ‌های بنای آزادی مطبوعات است (Arrêt Goodwin c/ Royaume - Uni, 1996) کشورهای عضو شورای اروپا، منابع روزنامه‌نگاری از پشتیبانی ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بهره‌مند می‌شود. در قضیه گودوین، شاکی (که روزنامه‌نگار است) از سوی دادگاه موظف شده بود منابع خبری خود را فاش کند.

دیوان اروپایی در مورد این رأی، دولت انگلستان را محکوم کرد که ماده ۱۰ کنوانسیون یادشده را نقض کرده است. نظر دیوان چنین بود:

«نبود چنین حمایتی می‌تواند منابع خبری روزنامه‌نگاران را از کمک به مطبوعات برای آگاهی دادن به همگان درباره موضوع‌های مربوط به منافع عمومی باز دارد. در نتیجه آن، مطبوعات کمتر می‌توانند نقش‌نمایی اجتماعی خود را بازی کنند و برای تدارک اخبار و اطلاعات دقیق و درست، از آمادگی کمتری برخوردار می‌شوند.» (Arrêt Goodwin Précité)

اهمیت پشتیبانی از منابع روزنامه‌نگاران، از راه

مقررات اخلاقی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در کشورهای اروپایی و همچنین قطعنامه چهارمین کنفرانس وزیران کشورهای عضو شورای اروپا در مورد آزادی‌های روزنامه‌نگاری و حقوق بشر (Resolution Adoptée à la 4<sup>ème</sup> Conférence ministérielle européenne sur la politique des communications de masse. Prague / 7-8 decembre 1994) (مصوب ۸ دسامبر ۱۹۹۴)، و نیز قطعنامه پارلمان اروپایی در مورد فاش نشدن منابع روزنامه‌نگاری (18 Janvier 1994, JOCE no C4434) (مصوب ۱۸ ژانویه ۱۹۹۴)، خاطر نشان شده است.

#### II- روزنامه‌نگار و حق برخورداری از آزادی عقیده و بیان

دیوان اروپایی حقوق بشر، بارها بر این نکته تأکید کرده است که مطبوعات، در چارچوب مسئولیت‌های خود، نه تنها این حق را دارند بلکه موظفند اطلاعات و افکار راجع به مسائل سیاسی و نیز مسائل مربوط به منافع عمومی را به آگاهی مردمان برسانند. از این گذشته، همگان حق آگاه شدن دارند. (Arrêt Thorgeirson du 25 Juin 1992; Arrêt Bladet Tromso et Stensaas du 20 mai 1999)

این نهاد در یکی از آرای خود، بر پایه ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی، اصل حقوقی پشتیبانی از حق روزنامه‌نگاران برای انتقال و انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به موضوع‌های راجع به منافع عمومی را، چنانچه با حسن نیت و بر اساس رویدادهای واقعی باشد و اخبار و اطلاعات «درست و دقیق» («fiables et précises») در جهت احترام به اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری را عرضه کنند، مورد تأیید قرار داده است. (Arrêt Fressoz et Roire du 21 janvier 1999)

در واقع، حقوق روزنامه‌نگار در نخستین بند از ماده ۱۰ کنوانسیون مذکور، مستتر است. در این بند، از جمله پیش‌بینی شده است که آزادی بیان شامل آزادی انتقال نه تنها اطلاعات بلکه اندیشه‌ها نیز می‌شود.

باید دانست که اطلاعات و اندیشه‌ها دو مقوله

○ از میان کارهای محدود کننده پیش از چاپ، که ناقض آزادی مطبوعات است، می‌توان گذشته از صدور پروانه پیش از انتشار، به سانسور قبلی محتویات و مندرجات نشریات و همچنین صدور پروانه برای اشتغال افراد به روزنامه‌نگاری اشاره کرد.

## ○ دیوان اروپایی حقوق

بشر، بارها بر این نکته تأکید کرده است که مطبوعات، در چارچوب مسئولیت‌های خود، نه تنها این حق را دارند بلکه موظفند اطلاعات و افکار راجع به مسائل سیاسی و نیز مسائل مربوط به منافع عمومی را به آگاهی مردمان برسانند. از این گذشته، همگان حق آگاه شدن دارند.

بدین سان، قضات دیوان از جمله در رأی مربوط به تورگرسون، که در بالا به آن اشاره شد، به این نتیجه رسیده‌اند: اگر در مقاله مورد استناد، عبارات بسیار تنیدی هم به کار گرفته شده بود، معرفی کردن شیوه بیان آنها بعنوان طرز بیانی افراطی در زمینه مورد نظر (اصلاح وضع پلیس) قابل قبول نمی‌بود. (Arrêt Thorgeirson / Précité)

در مورد قضیه دالبان، که در آن یک روزنامه‌نگار، شیوه اداره اموال دولتی و شیوه کارکرد رجال سیاسی را مورد ایراد و انتقاد قرار داده بود، دیوان حقوق بشر اروپایی نظر داد که «آزادی روزنامه‌نگاری اجازه مقدرای اغراق‌گویی و حتی اغواگرایی را نیز می‌دهد. «La liberté journalistique comprend aussi le recours possible à une certaine dose d'exagération/ voire même de provocation». Arrêt Dalban c/ Roumanie / 1999)

از همین رو، لزوم تمایز قائل شدن میان رویدادها و عقاید و همچنین عدم امکان اثبات درستی عقاید، که در بالا به آنها اشاره شد، اهمیت بسیار دارد.

گذشته از آن، حتی در مورد رویدادها هم، دیوان اروپایی حقوق بشر، حسن نیت (La Bonne foi) روزنامه‌نگار را بعنوان ابزاری برای دفاع می‌پذیرد و به این گونه، به رسانه‌ها امکان و فرصت می‌دهد تا در صورت اشتباه، آن را جبران کنند.

بر سر هم، دفاع مبتنی بر حسن نیت، هنگامی که یک روزنامه یا یک نهاد مطبوعاتی در زمینه یک هدف مشروعی را دنبال می‌کند و برای اطمینان یافتن از واقعیت داشتن رویدادها، کوشش‌های منطقی به عمل می‌آورد، می‌تواند به جای ضرورت اثبات درستی آنها، به کار گرفته شود.

پ. دولت‌ها و پشتیبانی از آزادی مطبوعات دولت‌ها می‌توانند به شیوه‌های گوناگون، آزادی مطبوعات را افزایش دهند.

دیوان اروپایی حقوق بشر راهکارهایی چند در این زمینه پیش روی دولت‌ها گذاشته است. در اینجا با بررسی مهمترین این راهکارها می‌پردازیم.

جدا و متمایز هستند و دیوان اروپایی این دور از یکدیگر تفکیک کرده است. در حالی که عقاید، اندیشه‌ها یا داوری‌های ارزشی، (Les opinions, les idées ou les jugements de valeur) بازتاب دهنده نظرها یا تحلیل‌های شخصی درباره یک رویداد یا یک وضع است و نمی‌تواند درست یا نادرست شمرده شود، در مورد رویدادها (Les Faits) که این عقاید بر آنها تکیه دارد، وضع یکسره متفاوت است. بنابراین، ماده ۱۰ کنوانسیون، افزون بر اطلاعات یا داده‌های قابل ارزیابی، از عقاید و انتقادات یا حدس‌ها و گمان‌ها که در بیشتر موارد اثبات درستی آنها میسر نیست نیز پشتیبانی می‌کند. در همین راستا، دیوان اروپایی در یکی از آرای خود مقرر داشته است:

«اگر خصوصیت مادی نخستین موضوعها (رویدادها)، بتواند به اثبات برسد، درباره موضوع‌های اخیر (عقاید، انتقادات و...)، امکان تشخیص درستی آنها وجود ندارد. بدین سان، از لحاظ قضاوت‌های ارزشی، این توقع غیر قابل تحقق است و به خود آزادی عقیده، که عنصر بنیادی حق تضمین شده در ماده ۱۰ کنوانسیون به شمار می‌رود، لطمه می‌زند. «Arrêt Lingens c/ Au-triche / 1986)

بر همین اساس، نهاد یاد شده، در یکی دیگر از آرای خود افزوده است:

«نمی‌توان پذیرفت که یک روزنامه‌نگار تنها در صورتی می‌تواند قضاوت‌های ارزشی انتقادی را مطرح سازد که توانایی اثبات حقیقت آنها را داشته باشد.» (Arrêt Dalban c/ Roumanie / 1999)

قضاوت‌های ارزشی و بویژه قضاوت‌هایی که در زمینه سیاسی می‌شود، با توجه به اینکه تضمین کننده کثرت گرای دموکراتیک است، از حمایتی ویژه برخوردار است. در زمینه‌های مربوط به مناقشه‌ها یا موضوع‌های مربوط به منافع عمومی - چه در چارچوب مباحثه‌های سیاسی، مبارزه‌های انتخاباتی و چه درباره انتقادات مطرح شده در سطح دولت، کارمندان سیاسی یا مقامات عمومی - که در بیشتر موارد گفته‌ها و اظهار نظرها درباره آنان بسیار تند است، قضات دیوان اروپایی حقوق بشر بیش از پیش تسامح نشان می‌دهند.<sup>۱۹</sup>



## ۱- مداراگری و انتقادپذیری

از نخستین ویژگیهای جامعه دموکراتیک، مدارا کردن است. (Tolérer la critique) قضات اروپایی با تکیه بر لزوم مدارا کردن در جامعه دموکراتیک، بارها تأکید کرده اند که:

«مقامات يك دولت دموکراتیک، باید انتقاد را حتی در مواقعی که می توان آنرا اغواکننده یا توهین آمیز شمرد، مجاز بشناسند». (Arrêt Ozgur Gundem du 16 mars 2000)

همچنین در مورد محدودیت های انتقاد، قضات یاد شده تصریح می کنند که محدودیت های انتقاد قابل قبول، در مواردی که نسبت به دولت صورت گرفته باشد، در قیاس با موارد مربوط به افراد عادی و حتی رجال سیاسی، گسترده تر است. (Arrêt Okzuoglu du 8 juillet 1999)

بنابراین، انتقادپذیر بودن حاکمان، یکی از شرایط اصلی تحقق آزادی مطبوعات است.

## ۲- پاسداری از آزادی مطبوعات: «تعهد مثبت» دولت ها

دیوان اروپایی حقوق بشر، در مبارزه خویش برای تأمین حقوق تضمین شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، با تکیه بر مفهوم «تعهدات مثبت»، (Obligations positives) خود را به ابزاری مؤثر مجهز ساخته است.

دیوان در واقع به این نتیجه رسیده است که اجرای يك تعهد ناشی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، گاهی در گرو اقدامات مثبت دولت است که در چنین موردی نباید غیر فعال بماند (Arrêt Airey du 9 octobre 1979)، بلکه باید کوشش هایی منطقی و متناسب با حق مورد نظر (Arrêt Lopez ostra du 9 décembre 1994) به عمل آورد.<sup>۲۰</sup>

دیوان پیشنهاد کرده است که تعهدات مثبت تازه ای که برای دولت ها در نظر گرفته شده، وابسته به حقیقی است که آنها تأمین کامل آن را به عهده دارند. در همین راستاست که گفته می شود ماده ۱۰ کنوانسیون یاد شده، «تعهد مثبت» برای پشتیبانی از حق آزادی بیان در برابر لطمه های وارد شده به آن، حتی از سوی افراد و اشخاص حقیقی را به عهده

دولت می گذارد.<sup>۲۱</sup> برای نمونه، مقامات ملی موظفند هنگامی که کارهای خشونت آمیز پیاپی (تهدیدها، حمله ها و... نسبت به روزنامه نگاران)، برضد يك روزنامه صورت می گیرد، (Arrêt Ozgur Gundem c/ Turquie / 16 mars 2000) به تحقیقات و بازپرسی یا اقدام های حمایتی مناسب دست بزنند.<sup>۲۲</sup>

مسئولیت دولت را می توان نه تنها به لحاظ مداخله «فعال» (ingérence active) آن در مورد این یا آن حقوق مطرح کرد، بلکه طرح این مسئولیت، بر پایه نظریه «تعهدات مثبت» و با توجه به مداخله «غیر فعال» (ingérence passive) دولت، و به سخن دیگر خودداری دولت از گرفتن تصمیم های لازم و دست زدن به اقدامات مثبت برای درست تحقق یافتن حقوق مورد نظر نیز امکان پذیر است.<sup>۲۳</sup>

این مداخله غیر فعال دو جنبه دارد: یکی اینکه دولت از این راه به گونه مستقیم به حقوق تضمین شده لطمه می زند؛ دوم اینکه به دیگران اجازه می دهد در حقوق تضمین شده مداخله کنند.<sup>۲۴</sup>

### بخش سوم: تفسیر مضیق دیوان اروپایی در زمینه محدودیت های آزادی مطبوعات

دیوان اروپایی حقوق بشر، چنان که پیشتر نیز گفته شد، به گونه ای عمل کرده است که نشان می دهد از حقوق و آزادی های پیش بینی شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تفسیر موسع داشته است و تا جای ممکن این حقوق و آزادی ها را گسترش داده است؛ در برابر، از محدودیت های آنها تفسیر مضیق کرده است.<sup>۲۵</sup>

جز شماری معدود از حقوق فردی که «هسته اصلی» (Le Noyau dur des droits de l'homme) حقوق بشر را تشکیل می دهد<sup>۲۶</sup> و حقوق خدشه ناپذیر (Droits intangibles) یا مطلق (Libertés absolues) نیز نامیده می شود و محدود شدنی نیست، (غیر از منشور آفریقایی حقوق بشر، مصوب ۱۹۸۱، همه کنوانسیون های بین المللی مربوط به حقوق بشر، حقوقی را در نظر

○ از نخستین ویژگیهای جامعه دموکراتیک، مدارا کردن است. قضات اروپایی با تکیه بر لزوم مدارا کردن در جامعه دموکراتیک، بارها تأکید کرده اند که:

«مقامات يك دولت دموکراتیک، باید انتقاد را حتی در مواقعی که می توان آنرا اغواکننده یا توهین آمیز شمرد، مجاز بشناسند».

گرفته‌اند که در هیچ شرایطی نمی‌تواند نقض شود. این متون بر چهار حق غیر قابل نقض توافق نظر دارند: حق حیات، حق مصون بودن از شکنجه، حق مصون بودن از بردگی، عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری (دیگر حقوق بشر با عنوان حقوق «مشروط» یا «عادی» (Droits conditionnels ou ordinaires) شناخته شده و می‌تواند از سوی دولت‌ها محدود شود. در میان حقوق مشروط یا عادی نیز، دسته‌بندی صورت می‌گیرد. در این زمینه می‌توان بین حقوقی که تنها در شرایط استثنایی قابل نقض است و در شرایط عادی نمی‌توان آنها را محدود کرد و حقوقی که هم در شرایط استثنایی و هم در شرایط عادی می‌تواند محدود شود، تفکیک قائل شد.<sup>۲۷</sup>

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، حق دادخواهی، حق برخورداری از آموزش و حق مشارکت در انتخابات آزاد را در گروه نخست و آزادی اجتماعات، آزادی انجمن‌ها، آزادی تظاهر به اعتقاد و مذهب، حق برخورداری از آزادی، امنیت، مالکیت و آزادی بیان را در گروه دوم آورده است.

در اینجا، نخست محدودیت‌هایی را که شامل گروه اخیر می‌شود مورد بررسی قرار می‌دهیم، سپس به توجه ویژه دیوان اروپایی به آزادی مطبوعات و محدودیت‌های مربوط به آن می‌پردازیم.

## الف- قواعد مشترک مربوط به محدودیت حقوق و آزادی‌ها

لزوم پاسداری از نهادهای دموکراتیک، شالوده محدودیت‌ها معرفی می‌شود. وجود بیوندهای اجتماعی، خود مؤید آن است که آزادی‌های مطلق و به سخن دیگر آزادی‌هایی که در هر گونه شرایط و احوال از آسیب برکنار دانسته شده باشند بسیار اندک است.<sup>۲۸</sup>

در عین حال دیوان اروپایی حقوق بشر معتقد است که یک محدودیت هرگز نباید به بنیان و ذات یک حق لطمه بزند و در همین راستاست که از محدودیت آزادی‌ها، تفسیر مضیق دارد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دخالت

دولت‌ها در زمینه حقوق افراد و در نتیجه محدود شدن آنها را تنها در صورتی موجه می‌داند که سه شرط ویژه، همزمان، تأمین شده باشد. اما اینکه «محدوده ارزیابی و تشخیص» (La marge d'appréciation) دولت‌ها در این زمینه چه اندازه است، یا به سخن دیگر دولت‌ها تا کجا می‌توانند این شرط‌ها را مورد توجه و بررسی قرار دهند و آزادی‌ها را محدود سازند، اهمیت بسیار دارد. شرایط یاد شده عبارت است از:

نخست، دخالت دولت در این باره، بی‌چون و چرا باید استوار بر قانون باشد؛ دیوان اروپایی در این زمینه از مفهوم «قانون» تفسیر موسع دارد و مفهوم مادی آن را در نظر می‌گیرد که دربرگیرنده تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و رویه قضایی است.

قانونی مشخص و دور از ابهام. دوم، این دخالت به منظور تحقق بخشیدن به یک هدف مشروع انجام گرفته باشد؛ یعنی در راستای منافع مورد توجه دولت (امنیت ملی، اعتماد عمومی، رفاه اقتصادی، رفاه کلی کشور)، یا در جهت منافع زندگی اجتماعی (امنیت عمومی، سلامت، اخلاق عمومی)، یا در راستای تأمین حقوق دیگران باشد.

سوم، دخالت دولت در زمینه مورد نظر باید در یک جامعه دموکراتیک، ضرورت داشته باشد.

«محدوده ارزیابی و تشخیص» دولت‌ها برای مداخله و ایجاد محدودیت، مفهومی است که در چارچوب رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر ابداع شده است. این مفهوم بیانگر آن است که مقامات دولتی چون با شرایط و اوضاع محلی و ملی کشور آشنا ترند، بهتر از قضات دیوان می‌توانند در مورد ضرورت محدود کردن آزادی‌ها نظر بدهند. مورد ضرورت محدودیت (Arrêt Handyside / 7 décembre 1976) اما، امکان این ارزیابی نمی‌تواند نامحدود باشد. در نتیجه، قضات دیوان اروپایی برای خود این حق را قائل می‌شوند که بر محدوده یاد شده نظارت کنند.

دیوان اروپایی نخست به بررسی و ارزیابی این نکته می‌پردازد که آیا دلایل عنوان شده برای این مداخلات، مناسب و کافی است یا نه. (Arrêt ols / 24 mars 1988) سپس می‌کوشد مشخص سازد که آیا مداخله دولت، با هدف مشروع مورد

○ دیوان اروپایی حقوق بشر به گونه‌ای عمل کرده است که نشان می‌دهد از حقوق و آزادی‌های پیش‌بینی شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تفسیر موسع داشته است و تا جای ممکن این حقوق و آزادی‌ها را گسترش داده است؛ در برابر، از محدودیت‌های آنها تفسیر مضیق کرده است.

نظر تناسب دارد یا نه و آنگاه تلاش می کند اطمینان یابد که آیا «تعادلی درست» میان منافع عمومی و منافع فردی پدید آمده است یا نه. (Arrêt Klass/ 6 septembre 1978)

بنابراین، اصل تناسب، (Le principe de proportionnalité) که ترجمان ضرورت تعادل میان هدف مشروع و ابزارهای به کار گرفته شده برای رسیدن به این هدف است، هسته اصلی کنترل حیطة ملی ارزیابی و تشخیص شناخته می شود.

ب- حسن نظر دیوان اروپایی حقوق بشر نسبت به آزادی مطبوعات

آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد آزادی بیان و بویژه آزادی مطبوعات، نشان دهنده حسن نظر بسیار و گواه دیدگاهی خوش بینانه است.<sup>۲۹</sup> نگرش قضات دیوان اروپایی حقوق بشر در این زمینه، در واقع با توجه به اینکه دولت تصمیم داشته باشد آزادی بیان مطبوعات یا دیگر آزادی ها را محدود کند، متفاوت به نظر می رسد.

بر پایه آنچه در بالا درباره کنترل محدوده ارزیابی و تشخیص دولت ها آمد، می توان گفت که دیوان اروپایی، میدان عمل چندانی از جهت محدود ساختن مطبوعات برای دولت ها قائل نیست و شاید بتوان گفت که این میدان عمل به سود ارزیابی و تشخیص ویژه دیوان در این زمینه از میان رفته است. حتی گفته شده است که در چنین شرایطی، دولت ها برای بازداشتن مطبوعات از بحمله به نظم عمومی، شهرت یا حقوق دیگری، آبروی رجال سیاسی، یا قوه قضائیه، خلع سلاح شده اند.<sup>۳۰</sup> اما دلیل این حسن نظر دیوان چیست؟

بر سر هم هر گاه در دیوان اروپایی حقوق بشر، یکی از حقوقی که معرف و نماد جامعه دموکراتیک است (Un droit caractéristique de la société démocratique) از جمله آزادی مطبوعات یا آزادی احزاب و انجمن ها مطرح می شود،<sup>۳۱</sup> قضات به تفسیر مضیق محدودیت های مربوط به آنها می پردازند و در مورد این محدودیت ها، سخت گیری نشان می دهند.

با بررسی رویه قضایی دیوان، به خوبی می توان دریافت که این نهاد اروپایی، بر برخی از حقوق و

آزادی ها تأکید ویژه دارد؛ حقوقی که هدف دار است و با عنوان «حقوق شکل دهنده دموکراسی» یا «حقوق پایه گذار دموکراسی» («Droits constitutifs de la société démocratique» ou «Droits fondateurs de la démocratie»)<sup>۳۲</sup> این حقوق، در شمار حقوقی است که بیش از دیگر حقوق، در حفظ نظم دموکراتیک نقش دارد.<sup>۳۳</sup> آزادی مطبوعات از این دست حقوق است.

\*\*\*

اکنون با شناخت تجربه «شورای اروپا» در سازماندهی مؤثر و پرتوان «دیوان اروپایی حقوق بشر» و پیشبرد رویه قضایی این دیوان در پشتیبانی از حقوق بشر و آزادی های بنیادی و بویژه آزادی بیان و اطلاعات و مطبوعات، اهمیت کارکردهای آن برای کمک به پیشرفت نظام دموکراتیک و دولت مبتنی بر حقوق، آشکار تر می شود. با توجه به این واقعیت که سازمان ملل متحد، برای اجرای مفاد منشور، بویژه در زمینه تأمین حقوق بشر و آزادی های بنیادی فرد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب کرده و در طول ۶۰ سال اخیر کوشش های برجسته ای نیز در جهت پشتیبانی از حقوق و آزادی های یاد شده به عمل آورده است ولی هنوز نتوانسته است برای تضمین این حقوق و آزادی ها بویژه آزادی بیان - آزادی مطبوعات و آزادی اطلاعات - یک نظام حقوقی دارای ضمانت اجرا برقرار سازد و در کنار آن، سازمان های منطقه ای غیر اروپایی مانند «سازمان کشورهای آمریکایی» و «اتحادیه آفریقایی» هم اقداماتی کارساز برای ایجاد چنین ضمانت اجرایی در مورد آزادی های یاد شده انجام نداده اند، تجربه «دیوان اروپایی حقوق بشر» در این زمینه می تواند بسیار آموزنده باشد و سازمان های منطقه ای و کشورهای جهان را به بهره گیری از این تجربه مثبت و پراهمیت، تشویق و ترغیب کند.

### یادداشت ها

1. Cohen - Jonathan (G.), "La liberté d'expression dans la convention européenne des droits de L' Homme" / 2 parties/ Légipresse, nos 108

○ دیوان اروپایی حقوق بشر معتقد است که یک محدودیت هرگز نباید به بنیان و ذات یک حق لطمه بزند و در همین راستاست که از محدودیت آزادی ها، تفسیر مضیق دارد.

- Ibid/ p. 201  
 29. MARGUENAUD (J.-P.)/ Ibid/ p. 75  
 30. MARGUENAUD (J.-P.) / Ibid/ p. 74  
 31. SUDRE (F.) / Ibid/ p. 216  
 32. FAVOREU (L.) et al/ Ibid/ p. 337  
 33. FAVOREU (L.) et al/ Ibid/ p. 338

### منابع و مأخذ

1. Cohen - Jonathan (G.), "La liberté d'expression dans la convention européenne des droits de L'Homme" / 2 parties/ Legipresse, nos 108 et 110/ 1994
2. CHEVALLIER (J) / L Etat de droit / 4ème édition/ Paris / eds Montchrestien/ coll. Clefs/ 2003/ 160p.
3. Favoreu (L.) et al. Droit des libertés fondamentales. 2 ème édition/ Paris/ Dalloz/ Précis / 2001/ 530p.
4. Conseil de L'Europe. 800 millions d'Européens/ Brochure publiée par le Conseil de l'Europe, 2004 111pp
5. LEVINET (M.)/ "L'incertaine détermination des limites de la liberté d'expression Reflexions sur les arrêts rendus par la Cour de Strasbourg en 1995- 1996 à propos de l'article 10 de la Convention européenne des droits de l'homme" / Revue française de droit administratif/ Septembre - octobre 1997/ pp. 999-1009
6. MACOVEI (M.). Liberte d'expression. Un guide sur la mise en oeuvre de l'article 10 de la convention européenne des droits de l'homme/ Précis sur les droits de l'homme/ n.2/ Conseil de l' Europe/ 2003/ 65 pp.
7. MARGUENAUD (J.P.)/ La Cour Européenne des droits de l'homme/ 2ème édition / Paris / Dalloz/ coll. Connaissance du droit/ 2002/ 141p.
8. RENUCCI (J.-F.) / Droit européen des droits de l'homme/ 3 ème édition/ Paris/ L. G. D. J./manuel / 2002/ 821 pp.
9. SUDRE (F.) (sous la dir. de), L'interpretation de la Convention européenne des droits de l'homme/ Bruxelles/ Bruylant/ coll. Droit et Justice/ 1998/ 354p
10. SUDRE (F.)/ Droit européen et international des droits de l'homme/ 6ème édition/ Paris/ PUF/ coll. Droit fondamental / 2003/ 665 pp
11. WACHSMANN (P.) / Les droits de l'homme/ 4 ème édition/ Paris/ Dalloz/ Connaissance du Droit/ 180 pp
12. et 110/ 1994/ pp. 2-10 et pp.13-22
13. Le Conseil de L'Europe. 800 millions d'Européens/ Brochure publiée par le conseil de l'Europe, 2004 . 111pp
14. Favoreu (L.) et al, Droit des libertés fondamentales. 2 émé dition/ Paris/ Dalloz/ Précis/ 2001/ p. 320
15. Favoreu (L.) et al. / Ibid. / p. 320
16. Le Conseil de L'Europe. 800 millions d'Européens/ Ibid.
17. Cit. par Pinto (R.) in cohen - Janathan (G.). Ibid / p.4
18. Macovei (M.) Liberté d'expression. Un guide sur la mise en oeuvre de l'article 10 de la Convention européenne des droits de L'homme; Précis sur les droits de L'homme/ n.2/ Direction general des droits de l'homme/ Editions du conseil de L'Europe/ 2003/ 65pp
19. La Liberté d'expression en Europe. La Jurisprudence relative a L'article 10 de La Convention européenne des droits de l'homme. Dossiers sur les droits de l'homme/ no 18 (revise)/ Direction generale des droits de l'homme/ Editions du Conseil de l'Europe/ 2002/ 112 pp
20. CHEVALLIER (J) / L'Etat de droit/ 4ème édition/ Paris/ eds Montchrestien/ coll. Clefs/ 2003/ p. 126
21. La Liberté d'expression / Ibid / p 10
22. La Liberté d'expression / Ibid./ p 24
23. CHEVALLIER (J.) / Ibid/ pp 53-54
24. Cohen - Jonathan (G.) / Ibid/ p.4
25. Macovei (M.) / Ibid./ p.14
26. Ibid/ p. 22
27. Ibid/ p. 22
28. Ibid/ p. 22
29. Ibid/ p. 27
30. Ibid/ p. 12
31. MARGUENAUD (J.P.) / La Cour Européenne des droits de l'homme/ 2ème édition / Paris / Dalloz/ coll. Connaissance du droit/ 2002/ p. 36
32. SUDRE (F.)/ Droit européen et international des droits de l'homme/ 6ème édition / Paris/ PUF/ 2003/p. 421
33. SUDRE (F.)/ Ibid/ P. 421
34. SUDRE (F.)/ Ibid/ p. 230
35. SUDRE (F.)/ Ibid/ p. 230
36. MARGUENAUD (J.-P.)/ Ibid/ pp. 31 ets
37. SUDRE(F.)/ Ibid/ p. 197
38. SUDRE (F.) Ibid/ p. 201
39. WACHSMANN (P.) cit. par SUDRE (F.)/

○ دیوان اروپایی، میدان عمل چندانی از جهت محدود ساختن مطبوعات برای دولت‌ها قائل نیست و شاید بتوان گفت که این میدان عمل به سود ارزیابی و تشخیص ویژه دیوان در این زمینه از میان رفته است. حتی گفته شده است که در چنین شرایطی، دولت‌ها برای بازداشتن مطبوعات از حمله به نظم عمومی، شهرت یا حقوق دیگری، آبروی رجال سیاسی، یا قوه قضائیه، خلع سلاح شده‌اند.